



مرکز بررسی‌های استراتژیک
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



تحلیل سایت پیش‌بینی استراتژیک از تهدیدات حضور آمریکا در عراق برای جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدرضا تاجیک
رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴

آثار پژوهشی
سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴



معاونت فناوری و اطلاعات

**تحلیل سایت پیش‌بینی استراتژیک از تهدیدات
حضور آمریکا در عراق برای جمهوری اسلامی ایران**

فروردین ۱۳۸۲

از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در تضاد و تخاصم با همدیگر بوده اند، اما از زمان پایان بحران گروگانگیری در سفارت آمریکا در ایران، این دو کشور در حالت رویارویی نظامی جدی با هم قرار نگرفته اند. بعد از جنگ خلیج فارس که عراق دیگر قادر نبود تهدیدی جدی برای ایران مطرح کند و واشنگتن نیز به شدت درگیر حل مسئله عراق بود، جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی از ناحیه تهدیدات خارجی ایمن بود. با آن که در داخل این کشور اختلافات داخلی بین اصلاح طلبان و محافظه کاران ادامه داشته و دارد، اما تهران پیوسته به عنوان یک قدرت مهم هم در خاورمیانه و هم در آسیای میانه، در حال رشد بوده است. اما، پیروزی نیروهای ائتلاف بر عراق و حضور نیروهای آمریکایی و دولت نظامی آمریکایی در آن جا، می تواند موقعیت و وضعیت ایران را یک شبه و برای همیشه متحول کند.

بیم مقامات تهران آن است که ایران هدف بعدی واشنگتن بعد از سرنگونی دولت صدام باشد. پیروزی آمریکا بر عراق، نیروهای آمریکا و متحدان آن را قادر می سازد تا حلقه محاصره ایران را تکمیل کنند. از لحاظ نظامی، نیروهای آمریکایی واقع در عراق در موقعیتی خواهند بود که می توانند حمله زمینی وسیعی را علیه ایران شروع کنند. حملات قوی به وسیله بمب افکن ها با حمایت رزمی نیروهای دریایی آمریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز، امکان پذیر خواهد شد. به علاوه، نیروهای هوایی و نیروهای ویژه آمریکا در افغانستان و آسیای میانه نیز قادر خواهند بود دست به عملیات علیه ایران بزنند. با آن که جمهوری اسلامی ایران دارای توانایی های دفاعی و تهاجمی قابل توجهی است، اما رهبران در ایران به خوبی آگاه هستند که حضور نیروهای آمریکایی در بغداد ایران را به طور خطرناکی آسیب پذیر می سازد.

صرف نظر از این که جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در آینده در رویارویی نظامی با هم قرار گیرند یا خیر، کنترل آمریکا بر نفت عراق - که یکی از محتمل ترین پیامدهای جنگ است - می تواند شوک عظیمی بر اقتصاد ایران وارد کند و در نتیجه ثبات نظام کنونی آن را تحلیل برد. واشنگتن برای کمک به اقتصاد روبه افول آمریکا، کمپانی

های انرژی آمریکا را تشویق خواهد کرد تا نفت عراق را به طور حجمی استخراج کنند و از این رو قیمت نفت خام را در بازارهای جهانی کاهش دهند. اقتصاد ایران احتمالاً قادر نخواهد بود در مقابل یک کاهش پایدار در قیمت نفت که احتمالاً به ۱۴ دلار خواهد رسید مقاومت کند. اگر این امر اتفاق بیافتد، بخش انرژی ایران را ورشکسته و بقیه بخش های اقتصاد را نیز دچار تزلزل خواهد کرد. بحران های سیاسی و اجتماعی و بویژه فعال شدن نارضایتی دانشجویی، نتیجه محتمل این حادثه خواهد بود.

حتی در صورت یک بحران اقتصادی خفیف تر، حضور نظامی قوی آمریکا در عراق می تواند اپوزیسیون سیاسی در ایران را تقویت کند. به ویژه، واشنگتن در تعقیب سیاست "دموکراسی هدف گیری شده" نسبت به ایران از گروه ها و نیروهای لیبرال طرفدار آمریکا حمایت خواهد کرد. این امکان وجود دارد که واشنگتن بعد از سرنگونی صدام از نفوذ افزایش یافته جدید خود و دسترسی سرزمینی در منطقه، به مهاجران و اپوزیسیون داخلی برای مقابله با نظام کمک کند. پیروزی آمریکا در عراق موجب به حرکت درآمدن اعتراضات و شورش های قوی اقلیت های قومی و مذهبی در ایران خواهد شد. این گروه ها هرگز از به قدرت رسیدن شیعیان چه در زمان شاه و چه در بعد از انقلاب ایران راضی نبوده اند. نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان می توانند به عنوان یک تسهیل کننده برای این دسته ها عمل کنند: کردها، آذری ها و عرب ها در غرب و زاهدانی ها و بلوچ ها در سیستان و بلوچستان. استان سیستان و بلوچستان ۷۰ درصد جمعیت سنی ایران را در خود جای داده و پایگاه حمایتی عمده سازمان منافقین بوده است. اگر این اقلیت ها با حمایت قدرت های خارجی قیام کنند، می توانند ثبات نظام و همچنین تمامیت ارضی کشور را تحلیل برند و وجود ایران به عنوان یک دولت-ملت را به خطر بیندازند.

بدنبال پیروزی آمریکا در عراق، نفوذ بین المللی ایران شدیداً کاهش می یابد و انتخاب های استراتژیک آن محدود می شوند. مثلاً نیروهای آمریکا هر گونه همکاری بین ایران و عربستان را تهدید می کنند و هر گونه همکاری بین آن ها بر علیه ایالات متحده آمریکا عمیقاً پیچیده و دشوار خواهد شد. بهترین استراتژی واشنگتن در این مورد عبارت از وارد آوردن ضربه یا فشار به یکی و ازایه امیدهای کاذب به دیگری خواهد بود. اگر نیروهای آمریکا بغداد را تصرف کنند، باقی مانده نفوذ ایران در آسیای مرکزی شدیداً

کاهش خواهد یافت. بعد از این نمایش قدرت هراسناک، آخرین متحدان باقی مانده ایران در منطقه یعنی تاجیکستان و ترکمنستان توسط آمریکا تحریک خواهند شد تا در اقمار آمریکا قرار بگیرند و مناسبات خود با تهران را محدود کنند.

سرانجام، آمریکا در موقعیتی خواهد بود که می تواند نفوذ تهران بر شیعیان خارج از مرزهای ایران را کاهش دهد. آمریکا با کسب کنترل بر سرزمین عراق، جهت کسب نفوذ بر قلمرو شیعه، فرصت جالبی برای کار با روحانیون شیعه عراق که دارای آمال و خواسته های مربوط به خود هستند و تشویق آنها به دوری از روحانیون ایران بدست خواهد آورد. این شکاف می تواند بر حزب الله، جنبش شیعی در لبنان، تأثیر بگذارد، زیرا این مبارزان گنج می شوند که از روحانیون ایران پیروی کنند یا عراق. همچنین، روحانیون عراقی طرفدار آمریکا می توانند با اتخاذ یک رویکرد معتدل تر نسبت به اسرائیل، بر حزب الله تأثیر بگذارند.